

عنوان نشست: مرجعیت علمی در علوم انسانی و اجتماعی

واحد برگزارکننده نشست:	معاونت پژوهشی دانشگاه علامه طباطبائی
مسئول نشست:	رئیس نشست: دکتر داود حسین پور (عضو هیأت علمی دانشگاه علامه طباطبائی) دبیر نشست: دکتر حسین اصلی پور (عضو هیأت علمی دانشگاه علامه طباطبائی)
تاریخ برگزاری نشست:	۱۴۰۲/۰۸/۰۹
اعضای هیأت علمی:	دکتر سید مهدی الوانی، دکتر پیام حنفی زاده، دکتر عباس عباس پور، دکتر مجتبی عبدخدائی، دکتر ابراهیم برزگر، دکتر سیدمحمدحسن مؤمنی، دکتر حسین ملاانظر، دکتر ابوالقاسم فاتحی دهاقانی، دکتر علی خاکساری رفسنجانی، دکتر هادی خان محمدی، دکتر علی خورسندی طاسکوه، دکتر علی عابدی رنانی، دکتر حسن ملکی (اعضای هیأت علمی دانشگاه علامه طباطبائی)
نمایندگان دستگاه‌های اجرایی مرتبط:	دکتر سید سروش قاضی نوری (رئیس مرکز تحقیقات سیاست علمی کشور)
مسأله محوری نشست:	منظور از مرجعیت علمی آن است که دانشگاه در حوزه‌ای از دانش در سطح ملی و به ویژه بین‌المللی شناخته شده باشد و محل مراجعه و استناد باشد؛ این دستاورد چگونه امکان تحقق دارد؟ لازمه این امر ویژگی‌های فردی و نهادی است که باید مکمل هم باشند. در این راستا و با میان قرار دادن مسئله محوری «مرجعیت علمی در علوم انسانی و اجتماعی» این نشست موارد زیر را در دستور کار خود قرار داد: معنا و مفهوم کسب مرجعیت علمی تمایزات مرجعیت در رشته‌های علوم انسانی و اجتماعی با سایر شاخه‌های علم چالش‌های مرجعیت علمی در حوزه علوم انسانی و اجتماعی راهبردهای کسب مرجعیت علمی ایران در فضای بین‌المللی
سازمان‌های هدف توصیه سیاستی:	شورای عالی انقلاب فرهنگی، وزارت علوم تحقیقات و فناوری، مرکز تحقیقات سیاست علمی کشور، شورای تحول و ارتقاء علوم انسانی، معاونت علمی، فناوری و اقتصاد دانش بنیان ریاست جمهوری

چکیده مباحث طرح شده (مقدمه، چالش‌ها و مشکلات پیش رو):

مفهوم «مرجعیت علمی» در کشور، نخستین بار توسط مقام معظم رهبری در سال ۱۳۸۴ مطرح و پس از آن در بیانات مختلف دیگر توسط ایشان تکرار شد و مورد تأکید قرار گرفت؛ به طوری که بند اول سیاست‌های کلی نظام در حوزه «علم و فناوری» ابلاغ شده توسط ایشان در سال ۱۳۹۳ عبارت است از: «جهاد مستمر علمی با هدف کسب مرجعیت علمی و فناوری در جهان». از سال گذشته دفتر نشر آثار مقام معظم رهبری، بحث مرجعیت را مجدداً از نهادهای مختلف مطالبه کردند و در این راستا جلسات متعددی را با نهادهای علمی و دولتی مختلف و نیز روسای دانشگاه‌ها برگزار نمودند. محور مباحث این جلسات را می‌توان در سه سطح «چیستی مرجعیت علمی»، «چرایی مرجعیت علمی» (اصلاً ما چرا باید مرجعیت علمی کسب کنیم؟) و در نهایت «چگونگی مرجعیت علمی» (یعنی مسیر رسیدن به این چه خواهد بود؟) خلاصه نمود. یکی از خروجی‌های این جلسات، برگزاری همایش ملی مرجعیت علمی در کشور بود که این مهم به مرکز تحقیقات سیاست عملی کشور واگذار شد. پیش از برگزاری همایش در روز ۲۹ آبان ماه که با ریاست وزیر محترم عتف برگزار خواهد شد، پیش نشست‌هایی به تفکیک حوزه‌های موضوعی در حال انجام است از جمله مرجعیت علمی در «فرهنگ و هنر»، «علوم پزشکی»، «فناوری» و نهایتاً موضوع نشست امروز مرجعیت علمی در «علوم انسانی و اجتماعی».

معاونت پژوهشی دانشگاه علامه طباطبائی در راستای سلسله نشست‌های کمک به حل مسائل کشور، نشستی را در امتداد سلسله جلسات مذکور با حضور اعضای هیأت علمی صاحب‌نظر دانشگاه در موضوع مرجعیت علمی و نیز ریاست محترم مرکز تحقیقات سیاست علمی کشور و نیز مدیران و کارشناسان این مرکز برگزار نمود. اهم چالش‌های و مسائل اشاره شده توسط اعضای نشست در مسیر تحقق مرجعیت علوم انسانی و اجتماعی عبارت‌اند از:

- ۱- ابهام در معنا، مفهوم و سطح مرجعیت علمی: یکی از چالش‌های مهم در مسیر دستیابی به مرجعیت علمی آن است که هر کسی مطابق با رویکرد خود برداشتی از این مفهوم ارائه

می‌دهد؛ به عبارت دیگر علاوه بر ضرورت ارائه تعاریف نظری، نیازمند تعریف عملیاتی از این مفهوم نیز هستیم. از سوی دیگر مشخص کردن سطح مورد نظر از مرجعیت علمی نیز ضروری است. در این میان حداقل سه سطح فردی، سطح سازمانی (نهادی)، سطح موضوعی (به تفکیک حوزه‌های مطالعاتی) قابل اشاره است. طبعاً راهبردهای کسب مرجعیت علمی در هر کدام از این سطوح متفاوت است.

۲- **تمرکزگرایی و استانداردسازی در آموزش عالی کشور:** نظام آموزش عالی کشور با تعریف اختیارات به صورت متمرکز در نهادهای حاکمیتی (نظیر شورای عالی انقلاب فرهنگی) و یا دولتی (نظیر وزارت علوم تحقیقات و فناوری) عملاً اختیارات دانشگاه‌ها را محدود ساخته است. این زنجیره تمرکزگرایی در نسبت میان دانشگاه و دانشکده‌های تابعه و نیز نسبت میان دانشکده‌ها و گروه‌های آموزشی نیز بازتولید می‌شود؛ به طوری که عملاً ساده‌ترین موضوعات نظیر جذب اعضای هیأت علمی یا دانشجویان دکتری به صورت متمرکز انجام می‌شود. از سوی دیگر با استانداردسازی در تعریف معیارهای سنجش و ارزیابی آموزش عالی مواجهیم به گونه‌ای که تنوع انواع علوم در وهله نخست و سپس تنوع رشته‌های آموزشی نادیده انگاشته می‌شود؛ به عبارت دیگر در ارج نهادن به علم و عالم در علوم پایه یا مهندسی و طبیعی از همان معیارهایی تبعیت می‌کنیم که در مورد علوم انسانی و اجتماعی. به همین شکل در رشته‌های مختلف داخل در هر کدام از شاخه‌های علم نیز تمایل به اتخاذ رویکرد مهندسی و استانداردساز داریم و تنوع رشته‌ها یا موضوعات را در نظر نمی‌گیریم.

۳- **کمیت‌گرایی در فرهنگ آموزش عالی کشور:** تعریف معیارهای ارزیابی در هدایت مسیر تولید علم نقش بسزایی دارد؛ به عبارت دیگر معیارهای ارزیابی نامناسب به راحتی می‌تواند دستیابی به آرمان‌های مطلوب از جمله مرجعیت علمی را مختل کند. صرف معیار بودن تعداد مقالات در فرآیند جذب، ترفیع و ارتقای اساتید کاملاً ناکافی است. در سیاست‌گذاری‌های نباید صرفاً بر اساس شاخصه‌ای کمی موفقیت یا شکست یک خط‌مشی یا تصمیم را سنجید. بعضاً شاهد آن هستیم که تأکید بیش از حد بر شاخص‌های

کمی (نظیر کمیّت مقالات) منجر به ترویج فساد علمی و مناسبات رانتی در ارزیابی و انتشار آثار پژوهشی می‌شود.

۴- **عدم تسلط کافی اساتید و پژوهشگران بر روش‌شناسی معتبر تولید علم:** یکی از الزامات اساسی تولید علم و کسب مرجعیت علمی، اشراف پژوهشگران به ویژه اساتید و اعضای هیأت علمی بر ابعاد روش‌شناسی پژوهش و تولید علم است. اینکه الزامات پژوهش در علوم انسانی و اجتماعی چیست و چه تمایزاتی با سایر شاخه‌های علمی دارد؟ متأسفانه در این زمینه با کاستی مواجهیم.

۵- **ضعف در کنش بین‌المللی نهاد علم:** کسب مرجعیت در علوم انسانی و اجتماعی نیازمند برقراری دیالوگ علمی با جامعه علمی دنیا در رشته‌های گوناگون است. یکی از اشکالات مهم در این عرصه فراهم نبودن زیرساخت‌های توسعه تعاملات بین‌المللی است؛ به ویژه در دو مسئله ایجاد محدودیت از جانب دولت در توسعه ارتباطات علمی با برخی کشورهای غربی و دیگر محدودیت‌های بودجه‌ای و ارزی دانشگاه‌ها جهت توسعه چنین تعاملاتی. ولی شاهد آن هستیم که حتی در مواردی که دو نقیصه مذکور نیز برطرف شده‌اند، تمایل ورود اعضای هیأت علمی و نخبگان علوم انسانی به برقراری دیالوگ علمی ضعیف بوده است. این مهم ریشه در توانمندی ناکافی ایشان برای ورود به عرصه‌های بین‌المللی (به ویژه مهارت‌های مرتبط با زبان‌های خارجی) دارد.

۶- **حقوق و مزایای ناکافی اعضای هیأت علمی علوم انسانی و اجتماعی:** جهت دستیابی به مرجعیت علمی نیازمند اساتیدی هستیم که خود را وقف نهاد علم نمایند. این مهم محقق نمی‌شود مگر آنکه ایشان را از دغدغه معیشت برهانیم. متأسفانه نظام جبران خدمات مالی اعضای هیأت علمی به دلایل متعدّد از جمله اتخاذ خط‌مشی‌های نادرست از جانب دولت در سال‌های مختلف، به صورت متوالی ضعیف و ضعیف‌تر شده و در حال نزدیک شدن و یا حتی عقب افتادن از پست‌های غیر هیأت علمی است. این موضوع انگیزه اعضای هیأت علمی را به شدّت مخدوش ساخته و حتی موجی از مهاجرت نخبگان در سال‌های اخیر را به دنبال داشته است.

۷- **حاکم نبودن فضای گفتگوی آزاد علمی در رشته‌های علوم انسانی و اجتماعی:** علم در بستر تضارب آراء شکل می‌گیرد و توسعه می‌یابد. این مهم به ویژه در موضوعات علوم انسانی و اجتماعی که بسیار بیش از سایر شاخه‌های علمی متأثر از بافت اجتماعی، اقتصادی و سیاسی است، اهمیت مضاعف دارد. مترداف انگاشتن فضای گفتگوی آزاد علمی به عنوان معارضة با نظام سیاسی از یک سو و حاکم نبودن فضای نقد علمی به دلیل عدم برخورداری اصحاب علم از سعه صدر کافی در تحمّل نقدهای طرف مقابل از سوی دیگر، باعث کمرنگ شدن فضای گفتگوی علمی به عنوان یکی از الزامات اساسی کسب مرجعیت علمی شده است.

توصیه‌های سیاستی:

۱- **شجاعت در واگذاری اختیارات به نهاد علم؛ ضرورت تمرکززدایی:** همان‌طور که در بخش چالش‌ها گذشت، تفویض اختیار در سلسله مراتب کنشگران مرتبط با نهاد علم (از سطح کنشگران حاکمیتی و سپس دولتی به کنشگران سازمانی یعنی دانشگاه‌ها تا نهایتاً به گروه آموزشی و عضو هیأت علمی) یکی از الزامات مهم در توفیق کسب مرجعیت علمی است. یکی از پیش‌نیازهای مهم در این زمینه اصلاح انگاره‌های ذهنی کنشگران سطح حکومت به نهاد علم است. توضیح آن که عدم تفویض اختیار و اصطلاحاً تمرکزگرایی، ریشه در عدم اعتماد سطح بالاتر به سطوح پایین‌تر سلسله مراتب دارد. مادامی که این انگاره ذهنی تغییر نیابد، انتظار داشتن تمرکززدایی در نهاد علم انتظاری دور از واقع به نظر می‌رسد.

۲- **نخبه‌گزینی در استخدام اعضای هیأت علمی:** بدون تردید رکن اساسی در کسب مرجعیت علمی، عضو هیأت علمی است. از این جهت نیازمند اساتیدی هستیم که خود را وقف تولید علم کنند و آرمانشان معلّمی باشد. این مهم نیازمند جذب نخبگان با انگیزه علوم انسانی و اجتماعی (اعم از نخبگان داخلی یا مقیم خارج از کشور) در فرآیند جذب اعضای هیأت علمی جدید است.

فصل دوم: توصیه‌های سیاستی نشست‌ها به تفکیک ... ۵۰

۳- **ترویج فرهنگ نقد علمی منصفانه و در عین حال بدون واهمه:** همان‌طور که پیش‌تر اشاره شد، علم در فضای گفتگوی آزاد رشد می‌یابد. در این راستا فراهم نمودن بستر به چالش کشیدن موضوعات مناقشه‌انگیز و پیش‌فرض‌های شاخه‌های علوم انسانی و اجتماعی، از ضروریات است. پرهیز از سیاست زدگی در جلسات نقد و گفتگو، دعوت از همه اطراف صاحب‌نظر در موضوع فارغ از گرایش‌های حزبی و ...، توجه به ملاحظات اخلاقی در جریان مناظرات و گفتگوهای دو یا چند طرفه، شجاعت و جسارت در نقد و تأکید بر راه‌اندازی هفتگی جلسات «نقد کتاب» در رشته‌های علوم انسانی و اجتماعی از جمله مهم‌ترین پیشنهادات مرتبط در این موضوع است.

۴- **برگزاری دوره‌های دانش‌افزایی اعضای هیأت علمی جهت تقویت مهارت توسعه ارتباطات بین‌المللی:** جهت شرکت در مکالمه مؤثر علمی در سطح بین‌المللی نیازمند آنیم که سطح دانشی و مهارتی اعضای هیأت علمی در این راستا تقویت گردد. تقویت مهارت مکالمه و نگارش به زبان‌های خارجی، طراحی حرفه‌ای رزومه به زبان‌های خارجی، فنون مذاکره و گفتگو در سطح بین‌المللی، تقویت مهارت نگارش آکادمیک به زبان‌های خارجی، تقویت مهارت رؤیت‌پذیری آثار پژوهشی در سطح بین‌المللی، مهارت نگارش طرح نامه جهت مشارکت در پروژه‌های تحقیقاتی بین‌المللی و ... از مهم‌ترین سرفصل‌های مرتبط با این حوزه محسوب می‌شود.

۵- **تقویت رابطه سیستماتیک نهاد علم با صنعت/ دولت:** یکی از الزامات کسب مرجعیت، مسئله-محوری در پژوهش‌های علوم انسانی و اجتماعی است؛ به عبارت دیگر نیازمند آنیم که برای مسائل واقعی جامعه، صنعت و دولت نظریه‌پردازی کنیم نه آنکه نظریاتی که می‌دانیم را بر مسائلی که واقعاً وجود ندارند تحمیل نماییم. متأسفانه در حال حاضر چنین ارتباطی عموماً به صورت موردی و فرد محور دنبال می‌شود. در نظر گرفتن ارائه نتایج پژوهش‌های اعضای هیأت علمی در نهادهای دولتی یا خصوصی مرتبط به عنوان یکی از پیش‌شرط‌های ارتقای علمی و یا حتی ترفیع سالیانه، تقویت فرصت‌های مطالعاتی اساتید در صنعت، مشارکت جدی اساتید در سامانه نیازها و ایده‌ها (نان)،

- تعریف ابرپروژه‌های تحقیقاتی توسط دولت و واگذاری آن به دانشگاه‌ها بر حسب موضوع فعالیت و مأموریت‌های پژوهشی‌شان، تقویت معیارهای طرح‌های پژوهشی ارتباط با صنعت در نظام ارتقاء اعضای هیأت علمی، کسب پایه‌های تشویقی و کسب عناوین اساتید نمونه و سرآمد از جمله مهم‌ترین پیشنهادات مرتبط در این زمینه است.
- ۶- **تقویت رابطه سیستماتیک نهاد علم با حوزه‌های علمیه:** از یک سو باید توجه داشت که علم در بسترهای مختلف رشد می‌یابد و اصطلاحاً Contextual است؛ از سوی دیگر بخش مهمی از مرجعیت در علوم انسانی و اجتماعی مرتبط با ساحت علوم دینی و اسلامی است. از این جهت برقراری ارتباط سیستمی نهاد دانشگاه و نهاد حوزه علمیه حائز اهمیت است. اتفاقاً یکی از مزیت‌های کشور ما در تولید علوم انسانی و اجتماعی بومی، توجه به ساحت علم دینی است. متأسفانه نه تنها در حال حاضر چنین ارتباطی به صورت سیستمی بین دو نهاد مذکور وجود دارد، بلکه چه بسا تقابل‌های نظری جدی در گفتمان حاکم بر آن‌ها در رشته‌های علوم انسانی و اجتماعی حاکم است. بخش قابل توجهی از عدم ارتباط نهادینه شده در این زمینه به فراهم نبودن زیرساخت‌های مورد نیاز و نیز فقدان ابزارهای انگیزشی مؤثر باز می‌گردد.
- ۷- **تکریم سخاوتمندانه و کریمانه از اصحاب علم:** طبق اتفاق نظر صاحب‌نظران حاضر در نشست، مبتلا بودن اعضای هیأت علمی (به ویژه اساتید جوان که از انگیزه به مراتب بیشتری برخوردارند) به مسائل معیشتی در آزادی علمی و تلاش پژوهشی ایشان کاملاً اثرگذار بوده و همین معضل فرآیند کسب پیشتازی علمی را مختل ساخته و خواهد ساخت. متأسفانه مسئله مذکور در رشته‌های علوم انسانی و اجتماعی در مقایسه با رشته‌های فنی یا پزشکی به دلیل ماهیت غیرمحصول-محور یا غیرکلینیکی عموم آن‌ها جلوه بیشتری دارد. در این راستا لازم است نظام جبران خدمات اعضای هیأت علمی علوم انسانی و اجتماعی به طور خاص مورد توجه سیاست‌گذاران قرار گرفته و مورد بازنگری جدی قرار گیرد.

۸- اختصاص ردیف بودجه ارزی مستقل به دانشگاه‌ها، پژوهشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی:

از آنجا که یکی از مهم‌ترین ابعاد مرجعیت علمی ناظر به فعالیت‌های سطح بین‌المللی است (اگر نگوییم مهم‌ترین بعد آن)، لذا اختصاص ردیف بودجه ارزی علاوه بر بودجه ریالی به نهادهای علمی و تحقیقاتی ضروری است. این موضوع با توجه به نوسانات نرخ ارز از یک سو و نیز ضرر مالی پژوهشگران داخلی که بر روی طرح‌های بین‌المللی کار می‌کنند از محل تبدیل نرخ ارز مرکز مبادلات ارزی با ارزش واقعی بازار متحمل می‌شوند از سوی دیگر کاملاً ضروری به نظر می‌رسد.

۹- باز تعریف معیارهای مرجعیت علمی خاص علوم انسانی و اجتماعی: آن چیزی که سقف

ایده‌آل علوم طبیعی و تجربی را تعریف می‌کند (تحت عنوان حسی گرایي) مشخص‌کننده‌ی شاخص‌های حداقلی در علوم انسانی و اجتماعی است. از این رو بازتعریف معیارهایی خاص علوم انسانی و اجتماعی دارای اهمیت است. در این میان توجه به معیارهایی نظیر «تقویت معنای زندگی»، «تقویت هویت بخشی»، «تقویت بصیرت بخشی»، «تقویت لذت فهم و دانایی»، «شاگرد پروری» و نهایتاً «میزان ارجاعاتی که جامعه به آن فرد یا اثر پژوهشی» راهگشا خواهد بود. نکته حائز اهمیت دیگر پرهیز از اتخاذ معیارهای واحد برای همه رشته‌ها/ تخصص‌ها در علوم انسانی و اجتماعی است؛ به عبارت دیگر در این شاخه از علوم، مرجعیت باید به تفکیک رشته‌ها فهمیده شود؛ چرا که هر کدام عقبه تاریخی و بافت خاص خود را دارا هستند.

۱۰- احترام به فهم نظریات علوم انسانی و اجتماعی متعارف و بها دادن به نهضت ترجمه: یکی

از مبادی مهم توسعه علمی غرب، جدی گرفتن علم تولید شده شرقی و دقت در فهم آن بود. ما نیز در مسیر کسب مرجعیت علمی باید نسبت به علم متعارف با دید احترام بنگریم. در این راستا طی حداقل چهار مقام ضروری به نظر می‌رسد: مقام فهم، مقام نقد، مقام کاربرد و نهایتاً مقام تولید. این مهم محقق نمی‌شود مگر با سعه صدر علمی؛ به عبارت دیگر سعه صدر علمی لازمه کسب ریاست علمی است. برای اینکه این چند مقام را طی کنیم، ناگزیر باید شایستگان و نخبگان علمی را به کار بگیریم.

۱۱- تیم سازی پژوهشی در موضوعات/ تخصص‌های مختلف علوم انسانی مبتنی بر پلتفرم‌های بومی: مرجعیت علمی، آرمانی که است که دستیابی به آن دویدن به صورت گروهی را می‌طلبد. فاصله گرفتن از فرهنگ فردگرایی در پژوهش و سیاست‌گذاری در راستای تسهیل و تشویق شبکه‌سازی تحقیقاتی در هر کدام از موضوعات علمی از جمله پیشنهادات صاحب‌نظران حاضر در نشست بود.

۱۲- بازنگری در شیوه پذیرش دانشجویان دکتری: همان‌طور که پیش‌تر اشاره شد یکی از الزامات مهم کسب مرجعیت علمی، اهتمام به موضوع شاگرد پروری است. به تعبیر یکی از حاضرین در نشست، استاد را دانشجویان و شاگردانش مرجع می‌کنند. لذا کیفیت دانشجویان در کسب مرجعیت علمی فردی و سپس سازمانی مؤثر است. با توجه به ماهیت مفهومی و تحلیلی رشته‌های علوم انسانی و اجتماعی، تعریف ورودی‌های نظام پذیرش دانشجویان دکتری از طریق آزمون سازمان سنجش مبتنی بر آزمون‌های تستی، به شدت بر کیفیت دانشجویان دکتری در این رشته‌ها تأثیرگذار بوده و از این رو بازنگری در آن ضروری به نظر می‌رسد.